

جان عنکبوت

ابوالقاسم جاوید □

اگر به فرایند تحولات و استراتژی یکساله اخیر پاکستان نگاهی عمیق بیندازیم، توانایی‌ها و ناتوانی تلفیق دوگانه‌ای نیست. زیرا این کشور بالمشابه یک قدرت اتمی منطقه بسان جان عنکبوت به دورش پیچیده و از درون دچار ناملایمتهای بس گسترده و عظیم می‌باشد. زد و بندهای سیاسی می‌رود که دیکراسی را دچار بحران نماید و از آن سو، درگیری‌های قومی و مذهبی، به علاوه اقتصاد مفلوج و بیمارگونه‌اش، فرجامی است از ناتوانی که با رؤیاهای بزرگ وفق نخواهد داشت. بناءً روند‌گزینش راهکارهای سیاسی، انقادی این کشور از قبل قابل تصور خواهد بود.

ماسعی می‌ورزیم که در اینجا، زوایا و ابعاد گوناگون مسایل و دشواریهای اقتصادی، سیاسی، داخلی این کشور را بنمایانیم تا جایگاه استراتژی نوین آن، مفهوم بیشتری پیدا نماید.

۱- پاکستان؛ تگاهی به درون:

در این بخش کشماکش و جدالهایی که نواز شریف در طول یکسال اخیر با آن روبرو بوده، مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا توانایی‌ها و ناتوانی نخست وزیر بیشتر شکافته شود. نواز شریف از تجارب پیشین نخست وزیری در سهای بزرگی آموخت. زیرا حکومت کردن بر یک کشور که دو نلت از عمرش زیر سلطه نظامیان بوده و آن هم در شرایطی که اقتدارگرایی قومی بر تمام زوایا و ابعاد زندگی هفتاد و دو ملت حاکم است، کار آسانی نیست. دو دور نا کامی برای نواز شریف، وی را با تمام کم و کاستی‌ها در تمام

مراحل اجتماعی به خوبی آشنا ساخت.

بزرگترین مانع بر سر راه نخست وزیری، خود قانون اساسی کشور بود که اختیارات ویژه‌ای در اختیار رئیس جمهور نهاده بود. با این شرایط، متمم ۸ قانون اساسی از صدر اعظم یک نهاد تشریفاتی بیش تصور نمی‌کرد. که هر وقت رئیس جمهور می‌توانست هر پنج مجلس ایالتی و ملی را ملغی اعلام نماید و قانون را به دست فرمانداران نظامی (گورنر راج) بسپارد. سابقه حکومت نظامی برمی‌گردد به دوران پر مشقت ۱۹۵۳ که هرج و مرج بی سابقه‌ای میان سیاسیون (۱) به وجود آمد و دولت منتخب دستخوش دگرگونی و تحول قرار گرفت. در واقع زمینه‌های ساختاری این تغییرات را رهبران مشتت پدید آوردند و در این راستا نظامیان از تحول به وجود آمده، به خوبی بهره جستند و سلطه خویش را بر تمام ارکان توسعه دادند.

امری که تا این زمان، گاهی به نام «مارشال لاه» یا حکومت نظامی و گاهی به نام «گورنر راج» معروف است. در سال ۱۹۵۳ فرماندار کل پاکستان (اعم از شرقی و غربی) ملک غلام محمد، دولت خواجه ناظم الدین را برکنار و محمد علی بوگره را به جای وی مأمور تشکیل دولت نمود. همین امر، زمینه‌ساز متمم ۸ قانون اساسی پاکستان گردیده بود که از قبل هم در ذیل قانون اساسی، اختیاراتی برای فرماندار کل در نظر گرفته شده بود. طی همین سال، محمد علی بوگره تلاش کرد تا با اصلاح قانون اساسی این بخش (Act) از قانون اساسی را حذف کند. ولی خود قربانی این جدال گردید و نتوانست این اختیارات را از فرماندار کل بگیرد. (۲) بدین رو در سال ۱۹۵۵ برای اولین بار جنرال ایوب خان به عضویت کابینه دولت در آمد.

سابقه اختلاف نخست وزیر با رئیس جمهور از بدو تأسیس پاکستان همواره مطرح بوده است. رئیس جمهور با استفاده از این اختیارات در سال ۱۹۵۸ دولت حسین سهروردی و در سال ۱۹۷۳ دولت ذوالفقار علی بوتو و در دهه ۱۹۸۰ و ۹۰ میلادی برای چند بار دولتهای بی نظیر بوتو و نواز شریف را برکنار و انتخابات تازه را اعلام نموده‌اند. هر دور انتخابات برای نخست وزیران، به همان اندازه سنگین بوده است که می‌توانست یک شبه در سراسیمه سقوط قرار بگیرند. بدین لحاظ بحث در مورد حذف این متمم در مجلس مطرح گردید. در آخرین دور در سال ۱۹۹۳ که نواز شریف برکنار شد، وی با شکایت به دیوان عالی کشور توانست این رکورد را بشکند و به طور علنی در برابر رئیس جمهور ایستادگی نماید. فرجام این نزاع استعفای هر دو منقار (رئیس جمهور غلام اسحاق خان و نخست وزیر) از سمت‌هایشان بود. گرچه وی نتوانست در دور بعدی به کرسی قدرت تکیه بزند، اما این تحولات بستر مناسبی برای حذف این بند از قانون اساسی گردید. بهر حال در ۱۹۹۷ وقتی وی دوباره به نخست وزیری رسید، دو لایحه را از تصویب مجلس گذراند که یکی الغای متمم ۸ قانون اساسی بود. سرانجام جدال قوه

مجریه با قانون اساسی، به نفع قوه مجریه پایان یافت و نواز شریف توانست با غلبه بر نارسائی های قانون اساسی، بزرگترین مانع را از سر راه بردارد.

لذا استحکام مبانی دموکراسی و نخست وزیران، بیش از پیش تثبیت گردیده است. اما نواز شریف مرد زیرک و مکاری است و با اتکا بر نیروهای بالقوه توانسته یکی یکی موانع را از سر راه حاکمیت رؤیایی خاندان «شریف» در پاکستان بردارد. چیزی که در هندوستان بنام خاندان نهر و «گاندی» رقم خورده وی می کوشد این را برای خانواده اش تسهیل نماید و اریکه قدرت را از جمهوری هم به انحصار بکشاند. آخرین دستاورد یکساله وی تغییرات مهم و اساسی در دستگاه قضایی و دیوان عالی کشور بود که تمام حریفان را از دور خارج کرد و مهره های دست نشانده اش را جابجا نمود. به دنبال این تغییرات، دستاوردهای زیرکانه وی را می توان مشاهده کرد.

زیرا روند قانون اساسی پاکستان، نهاد عدلیه، مسلط بر تمام ارکان دولتی است و تمام آنها ناگزیر باید به دستورات عدلیه گردن بگذارند. با توجه به این ویژگی، عمده ترین کار نواز شریف در دستگاه عدلیه این است که، می تواند تمام رقیبان مهم را توسط این نهاد از دور خارج کند. چنانکه فیصله ۱۶ آپریل برای خانم بوتو در خور توجه ویژه می باشد. اگر این فیصله دادگاه پنجاب به تصویب دیوان عالی کشور و شورای انتخابات هم برسد، خانم بوتو علاوه بر محکومیت حبس و جریمه ۸۶۰۰۰۰۰ دلار، من بعد از کارهای سیاسی برای ابد محروم خواهد شد. زیرا وی مطابق رأی صادره «نااهل» قرار داده شده، صلاحیت اینکه مورد اعتماد مردم واقع شود، نمی باشد. تا کنون اینگونه رأی در مورد دو نخست وزیر قبلی در دهه ۵۰ میلادی هم صادر شده است. بهر تقدیر، آنچه مهم و اساسی به نظر می رسد، اینکه آقای شریف چه بتواند حریف دیرینه را از صحنه دور کند یا نتواند، توفیق دیگری در کارنامه وی ثبت خواهد شد. اما این نوع نگرش برای انحصار قدرت در کشوری که ادعای جمهوریت دارد، در واقع کونه نگری بیش نیست. چونکه محرومیت یک رهبر سیاسی که طرفداران زیادی هم دارد، چشم انداز صلح و آرامش را به مخاطره خواهد افکند. و فرجام هرج و مرج، دویاره حاکمیت نظامیان را به دنبال دارد. علاوه بر دستاوردهای داخلی، وی در مسایل و استراتژی خارجی ناموفق بوده است. ناکامی های راهکاری می تواند ناشی از چند عامل باشد:

(۱) فقدان مدیریت رسا که نتوانسته جایگاه پاکستان را در آسیا به سوی همگرایی سوق بدهد. و پاکستان با احساس تنهایی خود را کاملاً در انزوا می بیند. به ویژه عملکردهای این کشور در قبال افغانستان، بیشتر کشورهای همسایه را به شک واداشته است. چین که به خاطر مسایل امنیتی از سال ۱۹۵۶ روابط ویژه با پاکستان داشته، در اواخر دهه ۹۰ از مناسبات خود کاسته و حتی در افکار عمومی جهان، خودش را از جانبداری پاکستان به دور نگهداشته است. زیرا انتقاد بین المللی اهرم قوی برای واداشتن

چین از همکاری با پاکستان است. این کشور تمایزات و منافع اقتصادی خویش را با بهای ارزان مثل پاکستان عرضه نخواهد کرد. چونکه تنها تراز تجاری چین و امریکا را اگر در نظر بگیریم، به اهمیت و ترجیحات محافظه کارانه چین واقف می شویم. پاکستان تنها یک بازار کوچک اقتصادی و آن هم از لحاظ فروش تسلیحات است؛ با مقداری ملحوظات استراتژیک.

به نظر می رسد، مسافرت اخیر آقای «لی پنگ» هر چند با خوشبینی مزید در مطبوعات روبرو بوده است ولی این مسافرت نتوانسته، گره های موجود بین المللی را میان دو کشور باز نماید. البته می توان این مسافرت را نوعی تجدید اتحاد استراتژیک نامید. زیرا وزیر دفاع هند آقای «جورج فرناندز» با حمله شدید به چین و آزمایش موشک بالستیک Agni Missil که می تواند بسیاری از نقاط چین را مورد حمله قرار دهد و همینطور توان حمل یک تن کلاهک هسته ای را دارد، بر تشویش و نگرانی چین افزوده است. بدین رو، شرایط زمانی مسافرت اهمیت فراوانی دارد. و در واقع آقای لی پنگ با پیام اینکه هیچ مانعی میان چین و پاکستان نمی تواند بر روابط دو کشور تأثیر گذارد، به نحوی برای پاکستان دلگرمی داده است تا توجه هند و پاکستان را به مسایل رقابت تسلیحاتی جلب کرده باشد. و یقیناً این نوع روابط، برای چین بیشتر مضر ثمر خواهد بود تا پاکستان.

بهر تقدیر، گره های کور مانند معضل افغانستان و تمامیت ارضی پاکستان بعد از انقضای «معاهده دیوراند»، هنوز لاینحل باقی مانده است. و اگر با یک روش صحیح مسایل بیرونی و سیاستهای این کشور را ارزیابی کنیم، علاوه بر مشکلات مذکور داخلی، تمامیت ارضی چهارچوبه فعلی می تواند به عنوان یک عامل نگران کننده مطرح باشد. سوای اینکه مادر سود و زیان قرارداد دیوراند کاری داشته باشیم، پاکستان جو بین المللی را برایش مناسب نمی بیند. زیرا در سال ۱۹۹۷ چین به بازیابی هنگ کنگ رسید. البته با قوانین بین المللی و همین فاکت برای معاهده دیوراند که همان هنگ کنگ توسط انگلیسی ها انجام شده و در همان سال به اتمام رسیده است می تواند بر نگرانی این کشور بیفزاید.

تب و تلاش ها، دست پاچگی مفرط پاکستان برای گل آلود کردن افغانستان، می تواند ناشی از همین مسأله باشد. به علاوه از نظر مسایل تاریخی، پاکستان در صدد احیای وراثت غزنویان، غوریان و مغولیه برآمده است. زیرا این کشور با مطرح کردن سلطنت اسلامی در شبه قاره، خویشان را جایگزین محق سلسله های مذکور می داند. چنانکه در آن دوره از تاریخ، امپراطوری های گسترده اعم از افغانستان و شبه قاره را در بر می گرفته است. هر چند بانیان امپراطوری های گذشته از افغانستان امروزی برخاسته بودند، ولی قدر مسلم، علم کردن مسایل و اشتراکات تاریخی، در ذیل سیاستهای فعلی این کشور می گنجد تا سیاستهای توسعه طلبانه ژئوپلتیکی و اقتصادی اش را سرپوش نهاده

باشد. از همه مهمتر، فاکت ابرقدرت نمایی، یگانه عامل موثر در سیاست جاری این کشور در قبال افغانستان است.

پاکستان برای اینکه بتواند وجهه مثبتی از خود نشان داده باشد و فاز مشترکی به دست بیاورد، از دکتر عبدالقدیر خان فیزیکیان برجسته و رئیس مؤسسه هسته‌ای و موشکی این کشور به عنوان وارث برحق غوری‌ها یاد می‌کند. و شجره و نسب وی را به شهاب الدین غوری می‌رساند که در سال ۱۱۹۲ میلادی توانست با شکست دادن پرتھوی راج بر شبه قاره مسلط شود. (۳) اکنون رقابت موشکی و تسلیحاتی بر شبه قاره سایه افکنده و هر دو کشور موشکهای دوربرد پرتھوی و غوری را با همان فلسفه تاریخی به آزمایش گذارده‌اند. گفته می‌شود دکتر عبدالقدیر از انساب یکی از سرداران شهاب الدین غوری به نام بهیل خان، سپه سالار میمنه می‌باشد که در ۲۷ اپریل ۱۹۳۶ میلادی در بهوپال هندوستان متولد شده است. بهر تقدیر، سمبل سازی برای اشتراکات و علایق تاریخی، نمی‌توانست مسایل ژئوپلیتیکی امروزی را تحت الشعاع قرار دهد. از آن گذشته، تب و تلاشهای پاکستان برای به دست گرفتن حاکمیت افغانستان توسط طالبان هم راه به جایی نبرد و از سال ۱۹۹۴ تا کنون فراز و نشیبهای زیادی را از سر گذرانده است. در سال جاری، امریکا و عربستان با مطرح کردن اسامه بن لادن، از پشتیبانی طالبان دست کشیده‌اند و این برای پاکستان که از نظر اقتصادی سخت نیازمندی هر دو کشور است، بسیار گران تمام شده است. بهمین رو، پاکستان از حمایت یکجانبه دست کشیده و سعی می‌ورزد تا طالبان را برای مذاکرات و ادار سازد. از آن سو نتیجه چنین اقدامات، شکستهای فاحش طالبان در مناطق مرکزی است. در واقع، پشت کردن امریکا و عربستان از طالبان، ظهور شکست سیاستهای پاکستان را نمودار می‌سازد که آینده روابط پاکستان و طالبان را در پرده ابهام نهاده است. دوری‌گزینی امریکا از طالبان با عربستان فرق دارد و آن دو کشور هر کدام با ملحوظات سیاسی و اقتصادی که داشته‌اند، بدین کار مبادرت ورزیده‌اند و به ویژه امریکا از اینکه سود هنگفت و سرشار مواد مخدر را از دست داده است، به تغییر مواضع اش پرداخته است. در حقیقت بازنده این میدان پاکستان خواهد بود که به خاطر تأمینات آینده خویش چنان درگیر مسأله افغانستان شده است که سرانجام همانند روسیه، گزیری به جز شکست نخواهد داشت.

البته پاکستان بی‌تمایل هم نیست که وضعیت سیاسی در افغانستان بدین منوال ادامه یابد. زیرا نبودن یک دولت قانونی در افغانستان که موی دماغ پاکستان باشد و همواره از بازگشت خط دیورند به افغانستان صحبت به میان آورد، این حالت نه جنگ و نه صلح به نفع این کشور می‌باشد. آنچه که درخور توجه است اینکه اولاً اگر پاکستان نتواند افغانستان را جزو قلمرو خویش گرداند حداقل از دو جهت به امنیتش کمک شده است. یکی ادعای پشتونستان را در نطفه خفه کرده است. در ثانی دولت افغانستان یک دولت

مقتدری که ادعای ارضی داشته باشد، نخواهد بود. دواماً بازیابی خط دیورند مهمترین قسمت خاک پاکستان را مورد نظر دارد. در استراتژی پاکستان، بلوچستان با شرایط آب و هوایی که دارا هست، می تواند به عنوان یک پایگاه استراتژیک و نظامی مطرح باشد. لذا پاکستان با انتقال موسسات هسته‌ای اش به این ایالت از بلوچستان صرفاً به صفت آزمایشگاه اتمی بهره می جوید. و این ویژگی در ۱۳ ایالت دیگر پاکستان وجود ندارد. هر نوع ادعای ارضی که پاکستان را از آزمایشگاه اتمی اش دور کند، در حقیقت به نابودی این کشور کمک کرده است.

۲- رقابت تسلیحاتی و اقتصاد نزار:

اختلافات هند و پاکستان از بدو تأسیس این دو کشور را دچار سه جنگ خانمانسوز نموده است. هر چند عوامل جنگها را نمی توان صرفاً به مسأله کشمیر ربط داد، بلکه هند و پاکستان از اساس در دو دسته بندی عقیدتی و مذهبی به دو ملیت تقسیم شده‌اند. فرجام این دوگانگی تقسیم و جدایی ارضی را نیز به دنبال داشته است. این، می تواند بنیان تمام نزاعهای دو کشور باشد. بدین رو در دهه ۵۰ میلادی دو کشور با ملحوظات سیاسی خویش به دو بلوک قدرتمند روی آوردند تا خلاء برتریهای نظامی خویش را از این طریق رفع نمایند. اما این وابستگی و اتکالی دو جنگ ۱۹۶۵ و ۱۹۷۲ میلادی نارسایی های تسلیحاتی و نظامی هر دو کشور را عریان ساخت و هر دو کشور با تجاربی که از اتکا و وابستگی به غیر داشتند، در دهه ۷۰ میلادی راه خودکفایی تسلیحاتی را پیش گرفتند. و این نوع سیاست، تحت تأثیر رقابت شرق و غرب، منجر به رقابت تسلیحاتی در شبه قاره گردید. به ویژه بعد از آنکه هندوستان در سال ۱۹۷۴ اولین آزمایش هسته‌ای اش را به انجام رساند. ذوالفقار علی بوتو طی سخنرانی معروفش، ضرورت «مؤسسه کاهوتا» را اعلان کرد و گفت: این کار باید صورت گیرد و لو مردم از گرسنگی علف بخورند. اما اقتصاد هر دو کشور تا چه اندازه توان برداشت این رقابت را دارا هست؟

پاکستان در مقایسه با هند امکانات محدودتری دارد. و زمینه های اقتصادی اش زودتر می تواند ضربه پذیر باشد. اگر به چارت و آمار منتشره از سوی سازمان ملل نگاه بیندازیم، هزینه نظامی دو کشور از دهه ۶۰ میلادی همواره رو به رشد بوده است. تاجایی که در اواسط دهه ۹۰ هزینه نظامی پاکستان با افزایش گسترده میان ۵ تا ۷ میلیارد دلار (۴) تخمین زده شده است. در حالی که هزینه نظامی هند طی این مدت از ۱۰ میلیارد دلار تجاوز کرده است. و این در مقایسه با چین که بودجه نظامی اش در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، ۱۵ میلیارد دلار بوده و در دهه ۹۰ سیر نزولی طی کرده و اکنون به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار رسیده، بسیار زیاد است. (۵) زیرا بودجه هر دو کشور متنازع ۱/۵ برابر کل بودجه نظامی

چین می‌باشد. و از آن سو، درآمد ناخالص ملی هر دو کشور به نصف درآمد ناخالص ملی چین هم نمی‌رسد. بناءً این نشان می‌دهد که دو کشور در چه شرایط شکننده اقتصادی به رقابت روی آورده‌اند. در بودجه سال ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ میلادی هنوز هم افزایش بودجه نظامی دیده می‌شود. و هند با ۴۰ درصد افزایش بودجه نظامی و با توجه به نارسایی و بدهی ۳۵ میلیاردی پاکستان (۶) به عمد می‌کوشد رقابت تسلیحاتی را گسترش دهد تا توان اقتصادی پاکستان را تحلیل برد. گرچه پاکستان طی سالهای گذشته تا اندازه‌ای از بودجه نظامی‌اش کاسته بود، ولی آزمایشهای هسته‌ای ۲۸ می ۱۹۹۸ و گسترش موشک سازی این کشور، در بودجه سال جاری ۲۰ درصد افزایش پیش بینی می‌شود و این را آقای نواز شریف طی مراسم آزمایش «غوری ۲» عملاً اعلام نمود.

به نظر می‌رسد اکنون پاکستان در ناگزیری‌های سیاسی فرو رفته است و باید این رقابت را ادامه دهد. این در حالی است که پاکستان در دهه ۸۰ میلادی با تکیه بر جنگ افغانستان از پشتوانه محکم کشورهای غربی برخوردار بود. و در دهه ۹۰ نه تنها این زمینه رشد بسته شده است بلکه امریکا با بلاک کردن ۶۴۰ میلیون دلار، سرمایه پرداخت شده برای خرید جت‌های اف ۱۵ و اف ۱۶ پاکستان عملاً به تحریم پاکستان پرداخته است. شدت این تحریم بعد از آزمایش هسته‌ای پاکستان به خوبی نمودار می‌شود که تمام کشورهای صنعتی و غربی به اقدامات تحریمی علیه پاکستان دست زدند تا این کشور اسلامی دارای توان اتمی را به تنگنای مفرط نهاده باشند. از آن سو اقتصاد پاکستان که عمدتاً به محصولات کشاورزی بستگی دارد، یکی به خاطر تورم جهانی و افزون شدن محصولات کشاورزی و دیگری به خاطر عدم توجه به پیشرفت این شعبه، زیانهای فراوان دیده است. اکنون باید دید که اقتصاد پاکستان در چه موقعیتی قرار دارد؟ و آیا این اقتصاد می‌تواند به کمبودهای تسلیحاتی جوابگو باشد؟

تحقیقات نشان می‌دهد (۷) که قبل از تقسیمات هند و پاکستان، تنها پنجاب محصولات زراعتی کل هندوستان را برآورده می‌کرده است.

بعد از تقسیمات ارضی میان هند و پاکستان، سهم پاکستان از این اراضی فقط در محدوده پنجاب ۱۷/۵ میلیون هکتار زمین زیر کشت بوده است. در حالی که سهم هند ۵ میلیون هکتار می‌گردد. اما هند در سال ۱۹۶۹ با سرمایه‌گذاری و طرح منطقی توانسته ظرفیت بهره‌وری محصولات کشاورزی‌اش را به ۱۸۱ درصد رسانده و پاکستان با ۳ برابر زمین، بهره‌وری محصولات کشاورزی‌اش به ۱۲۸ درصد برآورد گردیده است. بناءً یک مقایسه کوچک میان دو بخش زراعتی هند و پاکستان می‌تواند به این نتیجه رسید که ۶۰ درصد درآمد پاکستان که از طریق محصولات کشاورزی به ویژه پنبه است (۸) توسط عواملی چون نظام (جاگیرداری) مالکانه و عدم توجه دولت به امر گسترش این بخش چه آسیبی را متحمل گردیده است. به علاوه وضعیت کشاورزی ۱۳ ایالت دیگر پاکستان بعد

از توسعه آن در زمان مارشال ایوب خان (دهه ۶۰) هر روز بدتر و خرابتر گردیده است. بهر تقدیر، پاکستان تنها در زمان مارشال ایوب خان توانسته در بخش زراعتی ۱۲ درصد رشد داشته باشد و درآمد پاکستان از محصولات کشاورزی به بیش از ۱۰۰ میلیون دلار برسد. اکنون به جدول قیمت مواد خوراکی در ۱۶ سال اخیر توجه کنیم:

جنس	قیمت (کیلوگرم)	سال	قیمت (کیلوگرم)	سال
گندم	۵ روپیه	۱۹۸۳	۳۴ روپیه	۱۹۹۹
برنج	۳ روپیه	۱۹۸۳	۲۸ روپیه	۱۹۹۹
روغن	۶ روپیه	۱۹۸۳	۵۶ روپیه	۱۹۹۹
دال	۷ روپیه	۱۹۸۳	۲۴-۳۲ روپیه	۱۹۹۹

با این وجود، تورم و گرانی در ۱۶ سال اخیر سر به افلاک کشیده است. تنها از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ تمام مواد خوراکی ۷۲ درصد افزایش نشان می دهد. (۹) از وضعیت مواد خوراکی می توان استنتاج کرد که اقتصاد پاکستان بر چه میزان شکنندگی پیدا نموده است و اینکه این اقتصاد تا چه زمان توان برداشت هزینه سرسام آور نظامی را دارد، خود سؤالی است که گذر زمان نشان خواهد داد. به علاوه دولتهای زودگذر هرگز فرصت این را نیافته اند که در بخش زراعتی برنامه های بلندمدت و درست را به اجرا گذارند. (جدول مذکور فقط نشانگر وضعیت ناپسامان و بحرانی اقتصادی است.)

و اما رقابت تسلیحاتی و تواناییهای دو کشور، پیش از آنچه تصور می شد، به وخامت رسیده است. اگر به وضعیت روسیه بعد از هم پاشیدنش و سرنوشت سلاحهای کشتار جمعی توجه کنیم، مخاطرات دسترسی این دو کشور به سلاحهای هسته ای چند برابر می شود. مسأله این نیست که اینها به سلاح کشتار جمعی مسلح می شوند، بلکه مسأله حفظ و نگهداری آنها و مصون ماندن همسایگان از خطرات آن سلاح ها در آینده می باشد. اگر ما به این فرضیه توجه کنیم که هند و پاکستان در اثر رقابت به وجود آمده و به خاطر معضلات اقتصادی از هم بپاشند، آن وقت سرنوشت انبار تسلیحات کشتار جمعی چه خواهد شد. و از آن گذشته، آزمایشهای ممتد در این منطقه به ویژه پاکستان، مسأله امنیت مرزهای فضایی افغانستان را چه خواهد کرد؟

امروزه بعد از آزمایش اتمی پاکستان در ۲۸ می ۱۹۹۸ در چاغی، تردید و دودلی برای داشتن و یا نداشتن تسلیحات هسته ای به کنار رفته است. و این کشور با ۶ آزمایش در مدت کمتر از ۲۴ ساعت، توانایی استفاده و برابری با هند را به نمایش گذارد که هند این کار را در مدت تقریباً ۷۲ ساعت به انجام رسانده بود. دلایل دستیابی هر دو کشور به تسلیحات مخرب فرق می کند. هند در راه دستیابی کرسی دائمی سازمان ملل و حق وتو،

آزمایشهای خویش را انجام داد. ولی پاکستان به خاطر ترس از امنیت ملی اش. زیرا نداشتن این امکانات به معنی عدم بازدارندگی و ضعف در برابر رقیب دیرینه می باشد. کاری که هند زیاد هم بی تمایل نیست تا با به راه انداختن رقابت سنگین و سرسام آور پاکستان را از نظر اقتصادی فلج نماید. اکنون مشخصه این رقابت تنها در میدان سلاح هسته ای محدود نمی گردد. واضح است که هر دو کشور از توان اتمی برخوردارند و این یعنی بازدارندگی و امنیت خاطر. اما بهر جهت، وسعت میدان رقابت در نحوه مقابله و استفاده نیز کشیده شده است. با داشتن بمبهای هسته ای، کاربرد نیروهای زرهی و پیاده و تعداد نفرات، خود به خود از کارایی اش کاسته می شود و نقش آنها به صفر نزول می کند. ولی توان حصول تکنولوژی برای استفاده از تسلیحات اتمی که همان موشک باشد، بیش از پیش دو کشور را به رقابت واداشته است. در طول چند سال اخیر هر دو کشور تلاش کرده تا زرادخانه های خویش را با موشکهای دوربرد، کوتاه برد و اگر بتوانند قاره پیما و مسلح کردن آنها به کلاهکهای اتمی انباشته کنند. که تا اندازه ای موفق هم بوده اند. با این وجود نقش ارتش، تعداد نفرات و بقیه ابزارهای جنگی، می تواند در این میدان کارا نباشد. بناءً ما سعی می ورزیم که با نشان دادن جدول موشکهای دو کشور به هزینه آنها و سرانجام به مسئولیت نگهداری این تسلیحات پردازیم:

موشکهای بالستیک پاکستان

نام	نوع	برد (کیلومتر)	وزن کلاهک (کیلوگرم) و سوخت
حتف اول	کوتاه برد	۱۰۰	۵۰۰ - جامد
حتف دوم	کوتاه برد	۳۰۰	۵۰۰ - جامد
غوری I	میان برد	۱۵۰۰	۷۰۰ - مایع
غوری II	میان برد	۲۳۰۰ تا ۲۵۰۰	۱۰۰۰ - مایع
حتف ۳	کوتاه برد	۶۰۰	۵۰۰ - مایع
شاهین I	کوتاه برد	۲۵۰	۱۰۰۰ - جامد

موشکهای بالستیک هندوستان

نام	نوع	برد (کیلومتر)	وزن کلاهک (کیلوگرم)
پرتھوی I	کوتاه برد	۱۵۰	۱۰۰۰
پرتھوی II	کوتاه برد	۲۵۰	۵۰۰
دهانش	کوتاه برد	۳۵۰	۵۰۰
اگنی I	میان برد	۲۵۰۰	۱۰۰۰
اگنی II	میان برد	۲۰۰۰	۱۰۰۰
ASLV	دوربرد	۴۵۰۰	۱۰۰۰ (زیر ساخت)
GSLV	دوربرد	۱۴۰۰۰	(زیر ساخت)

با توجه به جدول داده شده، ویژگی‌ای که «غوری ۲» را از بقیه متمایز می‌سازد این است که می‌تواند ۳۵۰ کیلومتر از جو زمین خارج شود. و در خلاف حرکت کند و این چیزی است که فقط در دو موشک اخیر النوع (زیر ساخت) هند که هنوز آزمایش نشده است، دیده می‌شود. همین طور موشک «شاهین» با سرعت ۳/۵ برابر «پرتھوی» از دید رادار پنهان می‌ماند. بهر تقدیر، آنچه که مسلم است، هزینه‌های هنگفت این چنین اقدامات که هر کدام از موشکها چندین میلیون دلار هزینه می‌خواهد هم برای هند و هم برای پاکستان سنگین است. به علاوه پروژه‌های اتمی دو کشور، سالانه در حدود ۳ تا ۵ میلیارد دلار، هزینه برمی‌دارد. چنین رقابت جز اینکه سرمایه‌های ملی دو کشور را به باد دهد، و هم قریب یک میلیارد انسان را در مخاطره قرار دهد، ثمر دیگری ندارد. اگر ۵ سال بودجه نظامی دو کشور صرف مسایل اجتماعی شود، بدون شک هر دو کشور از تمام زوایا، به کشورهای پیشرفته تبدیل خواهند شد.

نکته آخر آن که جنون رقابت بدون آینده نگری در حفظ اینگونه تسلیحات، تمام آسیا را به مخاطره خواهد افکند. ساختن بمب اتم یک مسأله است و نگهداری آن به همان اندازه مهم و اساسی است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- چیزی که در پاکستان به اصطلاح «سیاسی معاشرتی بحران» یاد می‌گردد.
- ۲- توجه شود که قبل از جدایی بنگلادش از پاکستان، مقام رئیس جمهوری در اختیار فرماندار کل می‌باشد. روزنامه جنگ ۱۴ آگست ۱۹۹۶
- ۳- روزنامه مشرق، ۳۰ آوریل ۱۹۹۹
- ۴- مجله جهان امروز، جون ۱۹۹۶
- ۵- همان و همینطور آمار سازمان ملل م انسان
- ۶- روزنامه جنگ ۱۴ آوریل ۱۹۹۹
- ۷- مجله اخبار جهان، ۲۶ آوریل ۱۹۹۹، ص ۱۹
- ۸- روزنامه جنگ، ۱۴ آگست ۱۹۹۶
- ۹- مجله نیملی ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۶

VJSA	
VJSG	